

در محضر «آسید علی آقا»



یادداشت

سید حسین موسوی بلده
قاری ممتاز کشور



سید حسین موسوی بلده، نوجوانی است که در عکس نشسته.
از راست: صبر فیاض پور، مرحوم اربابی، حسن رضاییان،
مرحوم مولایی، رهبر شهید و استاد سادات فاطمی.

ششم قرآن

در آن جلسه، تلاوت‌های بسیار فنی و دقیقی اجرا شد. یکی از خاطرات ماندگار من، شنیدن صوت ملکوتی استاد سیدمرتضی سادات فاطمی بود. همچنین در یکی از جلساتی که در محضر معظم‌له برگزار شد و آقای سادات فاطمی نیز حضور داشت، مرحوم تسویه‌چی (قاری نوجوان و خوش‌خوان آن دوران) نیز همراه ما بود.

در همان جلسه مسجد کرامت، من در حضور آیت‌... خامنه‌ای به تلاوت پرداختم. پس از من، آقای تسویه‌چی نیز آیاتی را تلاوت کرد. (ایشان نوجوان و هم‌سن و سال من بودند). در پایان تلاوت، معظم‌له مبلغ دوهزار [ریال] کف دست من گذاشتند. اما به مرحوم تسویه‌چی مبلغ بسیار بیشتری بخشیدند.

در آن حال و هوای نوجوانی و خامی، اندکی دلخور شدم و با خودم گفتم: «چه فرقی میان ما بود؟ من که به زعم خود، بهتر از او خوانده بودم!» این راز سال‌ها در سینه من ماند تا پس از انقلاب، زمانی که آقای تسویه‌چی برای دوران سربازی نزد ما آمد، باب شوخی را باز کردم و گفتم: «تسویه‌چی! یادش به خیر، آن روز در مشهد من بهتر خواندم، اما آقا به تو پول بیشتری دادند. رازش چه بود؟»

پاسخ او پرده از یک رفتار اخلاقی عمیق برداشت. او گفت: «آن پول فقط جایزه تلاوت نبود. واقعیت این بود که مادر آن سفر پولمان تمام شده بود و در تنگنای سختی بودیم. پدرم این موضوع را مخفیانه به ایشان (آیت‌... خامنه‌ای) گفته بود. درحقیقت، ایشان با آن بخشش بزرگ منشانه، هزینه بازگشت ما به تهران را تأمین کردند تا در غربت مستأصل نمایم.» اینجاست که فهمیدم آن تقسیم ناعادلانه در نگاه کودکی من، در واقع یک «حمایت کریمانه پنهانی» برای حفظ عزت نفس یک خانواده قرآنی بوده است.

در میان خیل عظیم قاریان مشهده، صدای مرحوم عباسعلی نازدار برای من جذابیتی ویژه داشت؛ صدایی با قدرت بالا و طنینی ماندگار. رفاقت ما با قاریان مشهده پس از آن سال‌ها نیز ادامه یافت و بعدها در سفرهای حج، این پیوندها مستحکم‌تر شد. بزرگانی چون استاد سیدمرتضی سادات فاطمی، حاج‌هاشم روغنی و حمید هروی، نه تنها در فن تلاوت، بلکه در اخلاق و منش انسانی، ارکان استوار جامعه قرآنی کشور هستند.

نکته بسیار حیاتی در تاریخچه تلاوت مشهده، نقش محوری استاد سیدمرتضی سادات فاطمی در ترویج سبک‌های نوین تلاوت بود. ایشان مغازه‌ای برای فروش و ضبط نوار دستگانه‌های صوت داشتند که به پاتوق اصلی قاریان تهرانی و شهرستانی مبدل شده بود.

در دورانی که دسترسی به منابع اصیل تلاوت مصر بسیار دشوار بود، استاد سادات فاطمی به دلیل عشق وافر به سبک شیخ مصطفی اسماعیل، اعجوبه تلاوت جهان اسلام، نوارهای او و عبدالباسط را با دقت جمع‌آوری، ضبط و تکثیر می‌کرد. ایشان خود از پیشگامان و قاریان مسلط سبک مصطفی اسماعیل در ایران بود و همین امر باعث شد تا بسیاری از قاریان مشهده، زودتر از دیگر نقاط کشور، با ظرایف تلاوت این استاد مصری آشنا شوند و به تقلید از او بپردازند. هر زمان که قاریان تهران به مشهد می‌رسیدند، یکی از مقاصد اصلی شان مغازه ایشان بود تا دست‌پر و بانوارهای جدید قاریان مصری به پایتخت بازگردند.

در تقویم عمر هر انسانی، لحظاتی وجود دارند که به واسطه پیوند با امر قدسی، از چنبره زمان خارج شده و ابدی می‌شوند. دوران نوجوانی و جوانی ما، در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی، با نغمات ملکوتی قرآن گره خورده بود. در آن سال‌ها، تهران کانون تپنده جلسات قرآنی بود؛ محافلی که تحت اشراف اساتید بی‌بدیلی چون استاد ابراهیم پورفرزب (مولایی) و استاد مروت، جان‌های مشتاق را صیقل می‌دادند. اما در میان همه آن خاطرات، سفرهای دسته‌جمعی به مشهد مقدس، فصلی زرین و فراموش‌نشدنی را رقم زد که فراتر از سفری زیارتی، یک «هجرت معرفتی» محسوب می‌شد.

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، در حرکتی که در نوع خود بی‌نظیر و مبتکرانه بود، جمعی متشکل از حدود چهل تن از استادان، پیشکسوتان و قاریان جوان و نوجوان تهرانی، ذیل پرچم جلسه پربرکت استاد مولایی، راهی مشهد مقدس شدند. این اعزام‌های دسته‌جمعی که تا آستانه انقلاب، دست‌کم سه بار تکرار شد، هر بار حدود یک هفته به درازا می‌کشید. در این سفرها، حسینیه محل اقامت ما به قطبی از نور تبدیل می‌شد. برنامه‌ها به شکلی منظم تدوین شده بود:

تلاوت‌های صبحگاهی و شبانگاهی؛ هر روز دو نوبت جلسه رسمی تلاوت برگزار می‌شد. وحدت قاریان تهران و مشهد؛ همه اساتید و نخبگان تلاوت مشهده با اشتیاق در این جلسات حاضر می‌شدند و در کنار قاریان تهرانی، کرسی‌های تلاوت را گرم می‌کردند. بازدیدهای متقابل؛ شب‌هایی نیز به بازدید از جلسات بومی مشهده اختصاص می‌یافت؛ محافلی که زیر نظر پیر دیر قرآن، مرحوم استاد مختاری و مرحوم استاد توسلی اداره می‌شد. آن فضای پرشور و ملکوتی به هیچ وجه در قالب کلمات نمی‌گنجد.

شور حضور در این اردوها و تلمذ در محضر استاد مولایی چنان در وجود من ریشه دوامده بود که حتی پیوندهای عاطفی خانوادگی را تحت شعاع قرار می‌داد. به یاد دارم در یکی از این سفرها، مصادف با ایام عروسی دایی‌ام در تهران بود. با وجود آنکه نوجوانی سیزده‌چهارده‌ساله بودم و طبیعتاً چنین جشن‌هایی برای سن من جذابیت زیادی داشت، جاذبه معنوی جلسات قرآن و همراهی با کاروان استاد مولایی را برگزیدم. برادرم برای شرکت در مراسم به تهران بازگشت، اما من ماندن در اتمسفر قرآنی مشهده را ترجیح دادم.

در آن روزها توفیق یافتیم تا چهره‌های درخشان تلاوت خراسان را از نزدیک ببینیم؛ اساتیدی چون مرحوم عباسعلی نازدار، جناب آقای محمدزاده، استاد بزرگ مشهده حاج آقا مرتضی سادات فاطمی و برادران بزرگوارشان.

در میان آن‌ها، تلاوت‌های فنی و دل‌نشین آقا جواد فاطمی در آن سال‌ها بسیار چشمگیر و برجسته بود.

یکی از فرازهای درخشان این سفرها، حضور در جلسه تلاوت رهبر معظم انقلاب بود که در مسجد کرامت برگزار می‌شد. این مسجد در آن ایام کانون تپنده مبارزات و فعالیت‌های فکری و قرآنی بود. مادر قالب گروهی متشکل از استاد ابراهیم پورفرزب (مولایی)، استاد علی اربابی، استاد صبرفیاض و برادرم استاد سید محسن موسوی بلده، به این جلسه مشرف شدیم. تصویری از آن روز به یادگار مانده است که من در آن نوجوانی چهارده‌ساله هستم.